

Critical Rationality Based on the Viewpoint of Shaykh Hadi Najmabadi¹

Seyed Hossein Mir¹ , Aliakbar Amini² , Abdolhossein Alahkaram³ ,
 Fatemeh Sadat Mir⁴ 

1. PhD Student in Business Management, Faculty of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (seyedhossein.mir@iau.ac.ir)
2. Corresponding Author, Assistant Professor at the Department of Political Thoughts, Faculty of Political Science of, Tehran, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Iran (Ali.Amini@iauctb.ac.ir)
3. Assistant Professor at the Department of Political Thoughts, Faculty of Political Science of, Tehran, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Iran (Ab.allahkaram@iau.ac.ir)
4. Instructor at Department of Organizational Behavior and Human Resource, Faculty of Management and Accounting Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (f.mir@atu.ac.ir)

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 11 May 2025 Received in revised form: 5 August 2025 Accepted: 16 September 2025 Published online: 16 November 2025 Keywords: <i>Rationality, Critical Rationality, Shaykh Hadi Najmabadi, Tahṛīr al- 'Uqalā'</i>	Rationality, as a key concept in the history of human civilization and humanities, holds a fundamental place in both modern Western theories and the discourse of religious reformism in Iran. The present research attempts to conduct a historical investigation into the concept of critical rationality, focusing on the views of Shaykh Hadi Najmabadi, a modernist thinker of the Qajar period. This article, using an analytical-interpretive approach and employing documentary methods and content analysis, seeks to explore and re-read rationality within Shaykh Hadi's intellectual system. The research findings indicate that rationality, in Shaykh Hadi's view, is not merely instrumental or subservient to power; rather, it possesses a critical, ethical, and libertarian dimension that can be placed within the framework of a dialogue between Islamic tradition and contemporary political science theories. In this research, data analysis led to the extraction of 64 initial codes, 9 secondary concepts, and 3 organizing categories. Accordingly, the three main dimensions of critical rationality in the viewpoint of Shaykh Hadi Najmabadi are: Reason as an independent source of knowledge, Critique of Power (Political/Religious) relying on Reason, and Critical Rationality as a force for social reform. This analysis shows that indigenous ideas, when critically re-read, have the capacity to expand theories of political science.
Cite this article: Mir, S.H., Amini, A.A., Alahkaram, A.H. & Mir, F.S. (2025). Critical Rationality Based on the Viewpoint of Shaykh Hadi Najmabadi. <i>Iranian Journal for the History of Islamic Civilization</i>, 58(1), 271-300. DOI: 10.22059/jhic.2025.395007.654579	
 © The Author(s). DOI: 10.22059/jhic.2025.395007.654579 Publisher: University of Tehran Press.	

1. The present article is taken from the doctoral thesis at the Political Science of Central Tehran Branch, Islamic Azad University.

عقلانیت انتقادی مبتنی بر دیدگاه شیخ هادی نجم آبادی^۱

سید حسین میر^۱، علی اکبر امینی^۲✉، عبدالحسین اله کرم^۳، فاطمه سادات میر^۴

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران. رایانامه: seyedhossein.mir@iau.ac.ir
۲. نویسنده مسئول، استادیار گروه اندیشه سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران. رایانامه: Ali.Amini@iauctb.ac.ir
۳. استادیار گروه اندیشه سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران. رایانامه: Ab.allahkaram@iau.ac.ir
۴. مربی گروه رفتار سازمانی و مدیریت منابع انسانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: f.mir@atu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵ کلید واژه‌ها: عقلانیت، عقلانیت انتقادی، شیخ هادی نجم آبادی، تحریرالمقالات.	عقلانیت به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در تاریخ تمدن بشر و علوم انسانی، هم در نظریه‌های مدرن غربی و هم در گفتمان اصلاح طلبی دینی در ایران، جایگاهی بنیادین دارد. در پژوهش حاضر تلاش شده است بررسی تاریخی پیرامون مفهوم عقلانیت انتقادی و با تکیه بر دیدگاه‌های شیخ هادی نجم آبادی، از متفکران نوگرای دوره قاجار، صورت پذیرد. این مقاله با رویکردی تحلیلی - تفسیری و با بهره‌گیری از روش اسنادی و تحلیل محتوا، تلاش می‌کند عقلانیت را در منظومه فکری شیخ هادی و آکاوی و بازخوانی کند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که عقلانیت در دیدگاه شیخ هادی، نه صرفاً ابزاری یا مطیع قدرت، بلکه واجد بُعدی انتقادی، اخلاقی و آزادی خواهانه است که می‌تواند در چهارچوب گفت‌وگویی میان سنت اسلامی و نظریه‌های معاصر علوم سیاسی قرار گیرد. در این پژوهش، تجزیه و تحلیل داده‌ها منتج به استخراج ۶۴ کد اولیه، ۹ مفهوم ثانویه و ۳ مقوله سازمان دهنده شد. بر این اساس سه بُعد اصلی عقلانیت انتقادی در دیدگاه شیخ هادی نجم آبادی عبارت‌انداز: عقل به مثابه منبع مستقل معرفت، نقد قدرت (سیاسی / دینی) با تکیه بر عقل، و عقلانیت انتقادی به مثابه نیروی اصلاح اجتماع. این تحلیل نشان می‌دهد که اندیشه‌های بومی، در صورت بازخوانی انتقادی، ظرفیت‌هایی برای بسط نظریه‌های علوم سیاسی دارند.
استناد: میر، سید حسین؛ امینی، علی اکبر؛ اله کرم، عبدالحسین و میر، فاطمه سادات (۱۴۰۴). عقلانیت انتقادی مبتنی بر دیدگاه شیخ هادی نجم آبادی. پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۵۸(۱)، ۳۰۰-۳۷۱. DOI: 10.22059/jhic.2025.395007.654579	© نویسندگان. DOI: 10.22059/jhic.2025.395007.654579



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول در رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز است.

مقدمه

عقلانیت یکی از مفاهیم بنیادین در تاریخ اندیشه بشری است که همواره در متن تحولات فلسفی، اجتماعی و سیاسی مورد توجه قرار داشته است. با نگاهی به تاریخ تمدن بشری می‌بریم که هر جا پیشرفتی صورت پذیرفته، پرچمدار آن عقلانیت بوده است. نقش عقلانیت در تاریخ تمدن اسلامی نیز بسیار پررنگ بوده و در مبانی اسلام از جمله کتاب قرآن و سنت اهل بیت (ع) بسیار به آن تأکید شده است و همین هم دلیل پیشرفت چشمگیر مسلمانان در علم و فرهنگ و پیشتازی دانشمندان مسلمان در تاریخ علم می‌باشد. در دنیای مدرن، عقلانیت معمولاً با ویژگی‌هایی چون ابزارگرایی، خردورزی فردی و تجزیه‌گرایی شناخته می‌شود. این مفهوم در تفکر اسلامی و به‌ویژه در گفتمان اصلاح‌طلبی دینی در ایران، بارها بازخوانی و نقد شده است. یکی از متفکرانی که در این راستا تأثیرگذار بوده، شیخ هادی نجم‌آبادی است. او در دوران گذار از سنت به مدرنیته، تلاش کرد تا مفهومی نو از عقلانیت را معرفی کند که بتواند هم‌زمان با حفظ اصول دینی، به نقد و بازسازی مفاهیم اجتماعی و سیاسی بپردازد.

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل عقلانیت انتقادی در منظومه فکری شیخ هادی است. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیلی - تفسیری و بهره‌گیری از منابع اسنادی، تلاش دارد تا نشان دهد که چگونه عقلانیت در اندیشه شیخ هادی از یک سو، دارای ابعاد اخلاقی و نقادانه است که با اصول بنیادین پارادایم انتقادی هم‌راستا می‌شود. از سوی دیگر، درک این روابط می‌تواند به گسترش مفاهیم علوم انسانی در تعامل با سنت‌های اسلامی و دینی منجر شود. به این ترتیب، یافته‌های این تحقیق می‌تواند گامی به سوی ارائه رویکردی جدید در مطالعه تعامل بین عقلانیت انتقادی، سنت‌های دینی و اندیشه سیاسی بردارد.

مبانی نظری

عقلانیت

عقلانیت^۱ یا خردورزی در فلسفه یونانی به به‌کارگیری عقل و خرد برای حصول شناخت گفته می‌شود که در مقابل مفاهیمی چون تجربه‌گرایی یا اصالت حس قرار می‌گیرد (Nurkaidah & Bahar, 2024; Afifah, 2023).

در دیدگاه اسلامی، عقلانیت مفهومی چندبعدی است که هم شامل توانایی درک و تحلیل مفاهیم و گزاره‌هاست و هم دارای جنبه‌ای هدایتی در مسیر شناخت حق و عمل صالح می‌باشد. عقل در اسلام نه تنها ابزار فهم و استدلال، بلکه وسیله‌ای برای نیل به حقیقت، شناخت خداوند، و تشخیص راه هدایت از ضلالت

است (Nasr, 2006). در قرآن کریم، واژگانی مانند تعقل، تفکر و تدبر بارها تکرار شده‌اند و نشان می‌دهند که عقل عنصری محوری در هدایت انسانی است. متکلمان مسلمان عقل را ابزاری برای اثبات اصول دین می‌دانند و بسیاری از فلاسفه اسلامی آن را وجه تمایز انسان با سایر مخلوقات و عامل نیل به سعادت می‌دانند (Mutahhari, 2002). عقلانیت اسلامی برخلاف عقلانیت سکولار صرف، صرفاً به کارکرد ابزاری عقل محدود نمی‌شود، بلکه دارای بُعد ارزشی، معنوی و وجودشناختی نیز هست.

در نظریه‌های مدرن، عقلانیت معمولاً به دو شاخه اصلی تقسیم می‌شود: عقلانیت ابزاری و عقلانیت انتقادی. عقلانیت ابزاری بیشتر در فلسفه‌های تحلیلی و اقتصاد مدرن به کار می‌رود و به عنوان روشی برای دستیابی به اهداف فردی و اجتماعی تعریف می‌شود (Habermas, 1987). از سوی دیگر، عقلانیت انتقادی به‌ویژه در متون مارکسیستی، پسااستعماری و فمینیستی، به نقد سیستم‌های قدرت، استبداد، ظلم و همچنین ساختارهای اجتماعی و اقتصادی سلطه‌گر پرداخته است (Fanon, 1963; Said, 1978).

در اندیشه شیخ هادی نجم‌آبادی، عقلانیت مفهومی پیچیده‌تر از عقل ابزاری است. شیخ هادی سعی در تعریف عقلانیت به عنوان ابزاری برای نقد ساختارهای قدرت و رهایی فرد از سلطه‌های اجتماعی، دینی و سیاسی داشت. او با تأکید بر اهمیت عقل در تحلیل مفاهیم دینی و اجتماعی، بر این باور بود که عقل باید به عنوان ابزاری برای نقد و بازسازی مفاهیم دینی و اجتماعی عمل کند و نباید تنها در چهارچوب محدودی از عقل ابزاری باشد.

مبانی فلسفی عقلانیت در تاریخ تمدن بشر

عقلانیت در تمدن یونان باستان

بحث‌های فلسفی پیرامون عقلانیت حول مسائلی از قبیل معرفت‌شناسی و اخلاق می‌چرخد. فیلسوفان مدت‌هاست در مورد اینکه چه چیزی به عنوان باور عقلانی معتبر است و آیا معیارهای عینی برای عقلانیت وجود دارد یا نه، بحث می‌کنند. برخی بر این باورند که عقلانیت به‌طور ذاتی به جست‌وجوی حقیقت و استفاده از منطق مرتبط است، در حالی که برخی دیگر پیشنهاد می‌کنند که عقلانیت بیشتر جنبه‌ای ذهنی دارد و تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و احساسی قرار می‌گیرد (Nagel, 1986). از این منظر، عقلانیت صرفاً فرآیندی مکانیکی نیست، بلکه به‌شدت تحت تأثیر ارزش‌ها و زمینه‌های اجتماعی انسان‌ها قرار دارد.

فلاسفه یونان باستان توجه زیادی به عقلانیت داشته و در این خصوص نظریات زیادی ارائه کرده‌اند. اولین نظریه در مورد عقلانیت از سقراط است. سقراط مبنای عقل‌گرایی و عاقل بودن را شک کردن می‌دانسته است. او معتقد بود اگر در مورد مسئله‌ای شک نکنید به آن فکر نمی‌کنید و عقلانیتی نیز به وجود

نمی‌آید. ارسطو انسان را به عنوان «حیوان عاقل» تعریف می‌کند. فلاسفه اسلامی هم این تعریف را به «حیوان ناطق» ترجمه کرده‌اند. مقصود ارسطو این بود که از میان حیوانات فقط انسان از موهبت عقل و قوه عاقله برخوردار است و فلاسفه مسلمان هم بالاترین تجلی قوه عاقله را در ویژگی ناطق بودن او دانسته‌اند (Stenmark, 1995: 22; Fllesdal, 1986: 122).

افلاطون به‌طور کلی به دو سطح از شناخت عقلانی معتقد است که ما از آن‌ها به «عقل کلی» و «عقل جزئی» تعبیر می‌کنیم. این دو عقل، تقریباً شالوده نظام فکری افلاطون را به‌نحو عام، و اساس اندیشه سیاسی او را به‌طور خاص شکل می‌دهند. درواقع در چهارچوب تمایز عقل کلی و عقل جزئی، منظر و نگاه افلاطون به عالم و چگونگی و میزان شناخت آن بررسی می‌شود (افلاطون، ۱۳۸۰؛ Annas, 1981).

عقلانیت در تاریخ تمدن اسلامی

عقلانیت ازجمله مفاهیمی است که در تمدن اسلامی جایگاه ویژه‌ای داشته است. اندیشمندان مسلمان تلاش کرده‌اند تا نسبت عقل با دین، معرفت، وحی و شهود را تبیین کنند و در این راستا نظریه‌های متنوعی ارائه داده‌اند (Nasr, 2006).

فارابی (۲۶۰-۳۳۹ ه.ق)، فیلسوف ایرانی و مؤسس فلسفه اسلامی، نخستین بار با پرداختن به مباحثی مانند: مصالحه میان فلسفه و دین، جمع بین فلسفه افلاطون و ارسطو، و ارائه نظریه تطور عقل، نقش مهمی در بیان مفاهیم مرتبط با عقلانیت در دین و سیاست داشته است. فارابی عقل را جوهری مجرد می‌داند که انسان را به سوی سعادت رهنمون می‌سازد. او عقل نظری را وسیله‌ای برای ادراک حقایق هستی و عقل عملی را راهنمای رفتار اخلاقی می‌داند و در نظام مدینه فاضله‌اش، عقلانیت را شالوده نظم سیاسی می‌داند (فارابی، ۱۳۶۶).

ابن سینا یکی دیگر از دانشمندان و فلاسفه ایرانی مسلمان است که در باب عقلانیت نظریات زیادی ارائه داده است. مهم‌ترین وجه تمایز دیدگاه ابن سینا پیرامون عقلانیت در تفسیر دو معنای عقل نظری و عملی است. از منظر ابن سینا «عقل نظری نیرویی است برای نفس که پذیرنده ماهیات امور کلی به اعتبار کلیت آن‌هاست و عقل عملی نیرویی است نفسانی که در آنچه از جزئیات به منظور هدفی معلوم یا مضمون برمی‌گزیند و مایه برانگیختن نیروی شوق در نفس می‌گردد» (ابن سینا، ۱۳۸۱).

غزالی در *المنقذ من الضلال* تجربه‌ای شکاکانه از عقل را گزارش می‌کند، اما درنهایت آن را با نور نبوت تکمیل‌شدنی می‌داند. او به محدودیت عقل بشری اذعان دارد، ولی جایگاه آن را در استدلال‌های کلامی حفظ می‌کند (Al-Ghazali, 1953).

ابن رشد عقل را ابزار کشف حقیقت می‌داند و تأکید دارد که شریعت و فلسفه در هدف واحدی شریک‌اند.

او با دفاع از تفسیر فلسفی قرآن، عقلانیت فلسفی را با دین هماهنگ می‌سازد (Averroes, 2001). اگرچه عقل در فلسفه اسلامی جایگاه محوری دارد، بسیاری از فلاسفه مسلمان به محدودیت‌ها، خطاپذیری‌ها و ناکارآمدی‌های عقل مستقل از وحی نیز توجه کرده‌اند. این نگاه انتقادی، به‌ویژه در سنت‌های عرفانی - فلسفی مانند حکمت اشراقی و حکمت متعالیه نمود بیشتری دارد. سهروردی، بنیان‌گذار حکمت اشراق، عقل را برای درک کامل حقیقت کافی نمی‌داند. او بر این باور است که معرفت نهایی تنها از طریق اشراق و شهود نوری حاصل می‌شود. در نگاه او، عقل فلسفی اگر فاقد نور هدایت شهودی باشد، در مسیر حقیقت دچار انحراف می‌شود (سهروردی، ۱۳۸۰). ملاصدرا عقل را مرتبه‌ای از مراتب ادراک می‌داند، اما آن را غایت نهایی معرفت نمی‌شمارد. در حکمت متعالیه، وی مسیر کمال را شامل حرکت از ادراک حسی به ادراک عقلی و سپس به ادراک شهودی و قلبی می‌داند. بنابراین، عقل شرط لازم برای معرفت است، اما درک نهایی حقیقت در گرو شهود قلبی است (صدرالمآلهین، ۱۳۶۶).

عرفای مسلمان مانند ابن عربی و مولوی، عقلانیت جدلی را محدود و حتی مانع حقیقت می‌دانند. مولوی در مثنوی بارها از عقل معاش انتقاد می‌کند و عقل را وقتی ارزشمند می‌داند که در خدمت دل و عشق الهی باشد. از نگاه ایشان، عقل تنها، به‌ویژه در ساحت قدسی، راه‌گشا نیست (مولوی، ۱۳۸۶).

عقلانیت در تمدن غرب

عقلانیت انتقادی به‌طور خاص بر تحلیل و نقد ساختارهای اجتماعی و سیاسی موجود تأکید می‌کند و می‌خواهد به عنوان ابزاری برای تغییر اجتماعی و رهایی از سلطه عمل کند. در این بخش، به برخی از برجسته‌ترین نظریات غربی در زمینه عقلانیت انتقادی اشاره می‌کنیم. اهمیت این قسمت از آن لحاظ است که اندیشه شیخ هادی نجم‌آبادی در برخورد با عقلانیت، انتقادی بوده و تعریف جدیدی که از عقلانیت ارائه می‌کند وجوه شباهت و افتراق مهمی با عقلانیت انتقادی غرب دارد.

رنه دکارت، ریاضی‌دان معروف و پدر فلسفه نوین غرب، معتقد بود به جای تکیه بر منطق صوری ارسطویی و اعتماد بر فلسفه محض در تبیین جهان، باید به منطق ریاضی روی آورد (هالینگ، ۱۳۸۵). در میان فلاسفه غرب دیدگاه رنه دکارت در مورد عقلانیت، مبتنی بر شهود است (برت، ۱۳۶۹).

هیوم بنیان‌گذار تجربه‌گرایی شکاکانه در عصر جدید است که پس از سوفسطائیان که شکاکان عهد باستان بودند بنیان‌های عقلانی و عقل‌گرایی متافیزیکی زمان خود را ویران کرد. هیوم معتقد است اساسی‌ترین اعتقادات که زیربنای شناخت و علم را تشکیل می‌دهند از طریق عقل قابل‌دستیابی نیست و همین‌طور در قلمرو اخلاق نیز وی نگاه شکاکانه خود را به کار می‌برد و نتیجه می‌گیرد که هیچ خلاف

عقل نیست که من ویرانی نیمی از جهان را به نیش یک سوزن به انگشتم ترجیح بدهم. (سولومون، ۱۳۸۸: ۳۰۴).

کانت عقل را به دو دسته «عقل محض» (نظری) و «عقل عملی» تقسیم می‌کند. منظور وی از عقل محض، بی‌نیاز بودن این عقل از حواس است. وی در بیان اندیشه خود عنوان می‌دارد که «من همه تصورهایی را که در آن هیچ اثری از احساس نباشد، ناب و محض می‌خوانم» (سالیوان، ۱۳۸۰). هابرماس^۱، با تأکید بر مفاهیم اخلاقی در عقلانیت، تلاش کرد بر اساس دیدگاه کانت، نظریه اجتماعی خود را مبتنی بر تعقل جوهری ارائه کند (Habermas, 1984). ماکس هورک هایمر^۲ از اعضای مکتب فرانکفورت، معتقد است که تعقل در زندگی انسان باید نقشی ارزشی و اخلاق داشته باشد (الوانی، ۱۴۰۲). شیخ هادی نجم‌آبادی در دیدگاه خود، عقلانیت محض (نظری) را در صورتی مؤثر می‌داند که به عمل درآید. همچنین وی به رعایت اخلاق در عقلانیت معتقد است و عقلانیت را در صورتی مفید می‌داند که در خدمت ارزش‌های اخلاقی سبب ارتقای جامعه شود.

هگل از نخستین کسانی بود که عقلانیت را به‌طور انتقادی تحلیل کرد. در فلسفه او، عقل به عنوان نیرو و فرآیندی است که از طریق تاریخ به خودآگاهی می‌رسد و در مسیر آن، خود را از سلطه ساختارهای اجتماعی و سیاسی رهایی می‌بخشد. هگل بر این باور بود که عقلانیت در فرآیند دیالکتیکی به‌طور دائم در حال تکامل است و هدف نهایی آن، دستیابی به آزادی است. در این زمینه، عقل انتقادی به معنای بازبینی و نقد مداوم شرایط اجتماعی برای رسیدن به وضعیت بهتر و آزادتر است (Hegel, 1807). شیخ هادی نجم‌آبادی نیز با نگاهی انتقادی به ساختارهای سلطه اجتماعی و سیاسی، هدف عملی عقلانیت را بازاندیشی و اصلاح ساختار حکومت دانسته و عقلانیت را به عنوان راهکاری مؤثر جهت پیاده‌سازی عدالت و آزادی در جامعه اسلامی معرفی می‌کند. تفاوت دیدگاه نجم‌آبادی با سایر متفکران غربی در این است که عقلانیت را مبتنی بر دیدگاه اسلام تعریف می‌کند.

در حوزه‌های پسااستعماری، قانون نقد جدی به عقلانیت اروپایی و نظام‌های استعماری وارد می‌کند. به نظر او، استعمار نه تنها در سطح اقتصادی و سیاسی، بلکه در سطح عقلانی نیز به سلطه‌گری می‌پردازد و باید از طریق نقد و بازسازی این عقلانیت استعمارگرانه، به رهایی رسید (Fanon, 1961). ادوارد سعید یکی از طریق نقد و بازسازی این عقلانیت استعمارگرانه، به رهایی رسید (Fanon, 1961). ادوارد سعید یکی از نظریه‌پردازان معاصر و برجسته در این زمینه است که در کتاب شرق‌شناسی خود به نقد عقلانیت غربی و استعمارگرانه پرداخته است. سعید بر این باور بود که عقلانیت غربی در فرآیند استعمار و سلطه بر جوامع شرقی، خود را به عنوان تنها منبع معتبر حقیقت و دانش معرفی کرده است. او می‌گوید که باید

1. Jurgen Habermas

2. Max Horkheimer

عقلانیتی جایگزین و انتقادی ساخته شود که ریشه در تاریخ و فرهنگ بومی جوامع داشته باشد و به رهایی از سلطه‌های استعمارگرانه کمک کند (Said, 1978). شیخ هادی نجم‌آبادی در دیدگاهی مشابه، عقب‌ماندگی مسلمانان را ناشی از سلطه استعمار بر چهارچوب‌های فکری، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حکومت‌های مسلمان دانسته و معتقد است برای رهایی از این سلطه باید عقلانیت را بر پایه‌های اسلام حقیقی تعریف و اجرا کرد. وی با انتقاد تند و صریح از استعمارگران و حکومت‌های دست‌نشانده و ضعیف در بلاد اسلامی، تلاش می‌کند مفهوم عقلانیت را مبتنی بر آیات و روایات اسلامی ارائه کرده و آحاد مردم را با این مفهوم آشنا سازد.

شیخ هادی نجم‌آبادی و دیدگاه او پیرامون عقلانیت

شیخ هادی نجم‌آبادی (۱۸۵۰-۱۹۳۵) یکی از متفکران برجسته و شخصیت‌های مهم در تاریخ سیاسی و فکری ایران در دوران مشروطه بود. او به‌ویژه به عنوان روحانی‌ای اصلاح‌طلب و اندیشمند در شکل‌گیری تفکرات عقلانی و انتقادی در این دوره تأثیرگذار بود. نجم‌آبادی به عنوان یکی از اعضای برجسته جنبش مشروطه، نقش مهمی در شکل‌دهی به جنبش‌های اجتماعی و فکری ایفا کرد که هدف آن‌ها مقابله با استبداد و استعمار بود. او بر این باور بود که برای رهایی از فساد و استبداد، باید تفکر و عقلانیت انتقادی در جوامع اسلامی، به‌ویژه در ایران، گسترش یابد.

او از نخستین کسانی بود که تلاش برای اصلاحات در حوزه دین و تأسیس حکومت قانون‌مدار را به عنوان راه‌حلی برای پایان دادن به سلطه‌های استبدادی و استعماری مطرح کرد. نجم‌آبادی بر این باور بود که عقل باید از چهارچوب‌های بسته و سنتی رهایی یابد تا به تحقق عدالت اجتماعی و آزادی منجر شود.

شیخ هادی نجم‌آبادی عقلانیت را تنها به عنوان ابزاری برای کسب علم و معرفت نمی‌دید، بلکه آن را به عنوان ابزاری برای اصلاح و نقد ساختارهای اجتماعی و سیاسی قلمداد می‌کرد. او در نگاه خود، عقل را نه تنها به عنوان ابزاری فردی، بلکه به عنوان ابزاری اجتماعی برای نقد قدرت و ایجاد آگاهی اجتماعی می‌دید. در همین راستا، نجم‌آبادی برای حل بحران‌های اجتماعی و اقتصادی کشور، بر لزوم بهره‌گیری از تفکر عقلانی در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی تأکید داشت. به‌ویژه، او دیدگاه‌های فاسد و منحرف در حوزه دینی و حکومتی را که منجر به استبداد و فساد شده بودند، نقد می‌کرد. در کنار نقد استبداد داخلی، نجم‌آبادی، به‌ویژه در زمانه‌ای که ایران تحت سلطه استعمار کشورهای غربی قرار داشت، به مبارزه با استعمار نیز پرداخته بود. او بر این باور بود که عقلانیت اسلامی باید از دست سلطه‌های غربی رهایی یابد و به بازسازی هویت ایرانی - اسلامی بپردازد. نجم‌آبادی به عنوان یک فقیه، معتقد بود که باید به جای

تقلید کورکورانه از غرب، از عقل و آموزه‌های اسلامی برای پیشرفت و اصلاحات استفاده کرد. شیخ هادی نظریه‌ای انتقادی در زمینه عقلانیت اسلامی ارائه می‌دهد که به‌ویژه در نقد استبداد داخلی و استعمار خارجی اهمیت دارد. وی بر اهمیت درک عقلانی از دین و ضرورت مقابله با فساد و ظلم تأکید دارد. در دوران معاصر، دیدگاه‌های نجم‌آبادی در خصوص عقلانیت همچنان قابل تأمل است. بر اساس نظریات او، در دنیای امروز نیز می‌توان از عقلانیت انتقادی به عنوان ابزاری برای مبارزه با فساد و استبداد استفاده کرد. تحلیل و نقد قدرت‌های سیاسی و اجتماعی، همچنان یکی از ابزارهای اصلی برای رسیدن به جامعه‌ای آزاد و عادلانه است. به‌ویژه در جوامع اسلامی، اندیشه‌های نجم‌آبادی می‌تواند به عنوان الگویی برای بازسازی روابط اجتماعی و دینی در برابر چالش‌های معاصر مانند استعمار فرهنگی و سلطه‌گری‌های جهانی به کار رود.

پیشینه پژوهش

در زمینه تحلیل عقلانیت در اندیشه شیخ هادی نجم‌آبادی، پژوهش‌های محدودی صورت گرفته است که به بررسی ابعاد مختلف این اندیشه پرداخته‌اند. در این میان، محمدتقی جعفری و عبدالله جوادی آملی از جمله محققانی هستند که به تحلیل دیدگاه‌های شیخ هادی پرداخته‌اند. جعفری (۲۰۰۰) در آثار خود شیخ هادی را یکی از پیشگامان نواندیشی دینی در ایران دانسته که از عقل به عنوان ابزاری برای اصلاحات اجتماعی و دینی استفاده کرده است. پژوهش‌های مشابه پیرامون شیخ هادی نجم‌آبادی، بیشتر به زندگی و نقش او در مشروطه پرداخته و تاکنون پژوهشی دیدگاه عقلانی ایشان را در ارتباط با پارادایم انتقادی بررسی نکرده است. در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها نگاهی اجمالی داریم:

جدول ۱: پیشینه پژوهش

عنوان پژوهش	نام پژوهشگر	خلاصه پژوهش
زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی آیت الله حاج شیخ هادی نجم آبادی	علی دوانی (۱۳۷۶)	کتاب حاوی شرح حال اجمالی بیست و پنج نفر از روحانیون و علمای خاندان شیخ است. مبنای کار نویسنده، مقاله جامعی است که ابوالحسن خان فروغی، برادر محمدعلی فروغی (سیاستمدار دوران پهلوی)، بر کتاب تحریر/العلاء شیخ هادی در سال ۱۳۱۲ ه. نگاشته است.
حاج شیخ هادی نجم آبادی و مشروطیت	حسن مرسلوند	کتاب مذکور از چهار بخش به این شرح تشکیل شده است: بخش اول: زندگی نامه مرحوم شیخ هادی نجم آبادی، بخش دوم: اوضاع جهانی اندیشه سیاست و حکومت (عوامل خارجی انقلاب مشروطه در ایران)، بخش سوم: تشریح علل داخلی انقلاب مشروطه در ایران، بخش چهارم: این بخش که مهم ترین بخش کتاب محسوب می شود به بیان دیدگاه های سیاسی، مذهبی و فرهنگی شیخ هادی اختصاص یافته است.
حاج شیخ هادی نجم آبادی و طرح گفتمان دیانت عقلایی	علی سلیمان پور	مؤلف با اشاره به وجه مهم پیوند نجم آبادی با مشروطه خواهی اظهار می دارد: عقل گرایی، آزاداندیشی و خرافه ستیزی از عوامل مؤثر زمینه های توسعه گفتمان دیانت عقلایی شیخ هادی در فضای سیاسی - اجتماعی و مذهبی ایران در زمان مشروطه است.
«نواندیشی دینی و عقلانیت در ایران»	محسن کدیور (۱۳۸۱)	مطالعه تطبیقی عقلانیت در جریان نواندیشی دینی و بررسی تأثیر آن بر اصلاحات فکری و اجتماعی ایران.
«مشروطه چی عهد ناصری»	مقداد روحانی (۱۳۸۳)	نویسنده اگرچه در مقدمه مقاله، شیخ هادی را پیرو سید جمال و از آزادی خواهان ایران معرفی و داستان هایی درباره مردم داری و خصلت های اجتماعی وی بیان کرده است؛ بلافاصله روش برخورد او را با فرق و مذاهب اسلامی، به ویژه مذهب شیعه، به نقد می کشد.
نظام سیاسی و سازمان های اجتماعی ایران در عصر قاجار	غلامرضا ورهام (۱۳۸۵)	بررسی نقش عقلانیت در تحول نهادهای سیاسی دوره قاجار و تأثیر آن بر اصلاحات اجتماعی و فکری.
«جلوه ای از عرفان نجم آبادی»	سید یوسف حسینی	نویسنده دیدگاه های عرفانی شیخ هادی نجم آبادی را بررسی کرده است.

عنوان پژوهش	نام پژوهشگر	خلاصه پژوهش
«رویکرد اعتقادی شیخ هادی نجم‌آبادی در پاسخ به بهائیان»	مقداد نبوی رضوی (۱۳۸۹)	نویسنده در این مقاله ابتدا دیدگاه‌های مختلف درباره شیخ هادی را بیان کرده و توضیح داده که برخی او را زاهد و باتقوا و فقیه و برخی دیگر او را دارای عقاید ناهمگون و منحرف می‌دانند. هدف نویسنده از نگارش این مقاله این است که بابتی بودن شیخ هادی را اثبات کند.
«شیخ هادی نجم‌آبادی: فقیه روشنفکر و قرآن‌پژوه سیاسی»	سید محسن آل‌غفور (۱۳۸۹)	این مقاله تصویر تفصیلی از هویت فکری نجم‌آبادی، تأثیرات روشن‌فکری سیاسی و تأکید بر عقلانیت در فهم قرآن ارائه کرده است.
بررسی عقلانیت سیاسی شیخ هادی نجم‌آبادی و تأثیر آن بر اقدامات اصلاح‌گرایانه نوین و تأثیر مدارس، احداث راه‌آهن و مشروطه‌طلبی	سحر احمدی (۱۳۹۰)	نویسنده در ابتدا بیان می‌کند که مشروطه آوردگاه فکری دو سنت ایرانی و اسلامی و غربی بود که باعث تقابل و تضاد شد. در این تقابل و کشمکش، علما واکنش‌های متفاوتی را بروز دادند که به این شرح است: واکنش سلبی، واکنش تسلیم و پذیرش همه‌سویه و واکنش مشروطه و اسلامی‌شده. او در ادامه شیخ هادی نجم‌آبادی را از شخصیت‌های اثرگذار در جریان شکل‌گیری جنبش مشروطه و جزء نخستین روحانیون نواندیش و روشنفکر در تاریخ اندیشه سیاسی ایران معرفی کرده که در وادی سوم گام برداشت.
زندگی و اندیشه‌های شیخ هادی نجم‌آبادی	اکبر سیدی (۱۳۸۶)	نویسنده با نگاه کلی به مقوله تعامل علمای شیعه با نهاد سلطنت از دوره امویه تا قاجار، به دیدگاه‌های سیاسی چند تن از علما از جمله ملا محسن گیلانی، معروف به میرزای شیرازی، شیخ جعفر کاشف الغطاء و ملا احمد نراقی در خصوص نحوه ارتباط با حکومت قاجار و به‌ویژه دوره ناصری پرداخته است.
فقه سیاسی و فقه مشروطه	داوود فیرحی (۱۳۸۶)	بررسی تعارض و تعامل میان عقلانیت و شریعت در دوران مشروطه و تحلیل مبانی فکری متفکران آن دوره.
تفسیر عقلانی دیانت و سازگاری آن با اندیشه‌های نوگرایانه و دموکراتیک در گفتمان مشروطه‌خواهی نجم‌آبادی و نائینی	علی سلیمان‌پور (۱۳۹۰)	به بررسی و مقایسه گفتمان شیخ هادی نجم‌آبادی و نائینی پیرامون مشروطه‌خواهی پرداخته و این دو اندیشمند را دو فرد تأثیرگذار و مهم در شکل‌گیری فلسفه جنبش مشروطیت و آگاهی مردم می‌داند.
زندگی، آرا و اندیشه‌های شیخ	سارنگ میزان‌پور	این پایان‌نامه به بررسی زندگی، آراء و اندیشه‌های شیخ هادی

عنوان پژوهش	نام پژوهشگر	خلاصه پژوهش
هادی نجم‌آبادی	(۱۳۹۰)	نجم‌آبادی پرداخته است.
«نقش و جایگاه شیخ هادی نجم‌آبادی در تکوین جنبش مشروطیت ایران»	داریوش رحمانیان و سید مقداد نبوی رضوی (۱۳۹۲)	این مقاله به بررسی تأثیر آموزه‌های نجم‌آبادی بر فعالان مشروطه و سهم او در گفتمان مشروطه‌خواهی پرداخته است.
«حاج شیخ هادی نجم‌آبادی و طرح نظریه دیانت عقلایی به عنوان رهیافت ایرانی اسلامی پیشرفت»	علی سلیمان‌پور (۱۳۹۳)	ارائه مفهوم «دیانت عقلایی» بر مبنای اندیشه نجم‌آبادی، با هدف ارائه الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت.
«عقلانیت و اندیشه دینی در ایران معاصر»	سروش دباغ (۱۳۹۵)	تحلیل رابطه عقلانیت و تحول اندیشه دینی در ایران معاصر و چگونگی تأثیر پارادایم انتقادی بر متفکران دینی.
مطالعه تطبیقی رویکرد شیخ هادی نجم‌آبادی و آیت الله سید عبدالحسین لاری نسبت به نهادها و ساختارهای مدرن	محمد بیدگلی (۱۳۹۶)	در این پژوهش، محقق به بررسی و مطالعه تطبیقی میان رویکرد شیخ هادی نجم‌آبادی و آیت‌الله سید عبدالحسن لاری پرداخته است و نهادها و ساختارهای مدرن حکومت و جامعه را در این دو دیدگاه بررسی کرده است.
«مدرنیسم بومی؛ کندوکاوی در اندیشه‌های شیخ هادی نجم‌آبادی»	صادق زیباکلام و محمد بیدگلی (۱۳۹۷)	این مقاله به کاوش در مواجهه نجم‌آبادی با مدرنیته و بومی‌سازی انتخاب عقلانیت در منظر مشروطه‌خواهی پرداخته است.
«سنت قرآن‌پژوهی سیاسی - اجتماعی در ایران معاصر (شیخ هادی نجم‌آبادی و اسدالله خرقانی)»	سید محسن آل‌سیدغفور و منا حمیدی‌نسب (۱۴۰۱)	بررسی جریان‌شناسی تعامل فکری - سیاسی میان سنت اسلام نواندیش و سنت‌های دیگر در ایران معاصر، با تمرکز بر نقش نجم‌آبادی در سنت قرآن‌پژوهی.
«واکاوی تحلیلی اندیشه‌های آیت‌الله لاری و شیخ هادی نجم‌آبادی در انقلاب مشروطه»	محمد بیدگلی و اصغر رجبی ده‌برزوی (۱۴۰۲)	تحلیل گفتمانی تفاوت رویکردهای لاری و نجم‌آبادی به مشروطه، با تکیه بر پرسپکتیو عقلانیت نوگرایانه.

روش پژوهش^۱

این پژوهش کتابخانه‌ای، از لحاظ هدف، اکتشافی و بنیادین می‌باشد که به تحلیل دیدگاه‌های شیخ هادی نجم‌آبادی در زمینه عقلانیت انتقادی می‌پردازد. در این پژوهش، کتاب *تحریر/العقلاء* که تنها اثر باقی‌مانده از شیخ هادی نجم‌آبادی به شمار می‌رود، به عنوان اصلی‌ترین منبع برای واکاوی اندیشه‌های وی در زمینه عقلانیت انتخاب شده است. ما جهت بررسی مفهوم عقلانیت در اندیشه سیاسی شیخ هادی نجم‌آبادی، از روش تحلیل محتوا کمک گرفتیم. تحلیل محتوا، روش مناسبی است برای مطالعه عینی و سیستماتیک که می‌تواند ذهنیت را به عینیت تبدیل و مسیر رسیدن به تفسیر را روشن کرده و به شناخت زوایای پنهان متن کمک کند (Berelson, 1971). جهت تحلیل محتوا از رویکرد تلفیقی هدایت‌شده استفاده شده است. در این رویکرد، تحلیل بر اساس متن نظریات موجود صورت گرفته و کدهای اولیه از متن نظریات استخراج می‌شوند (Marian, 2023; Graneheim & Lundman, 2004: 106). جامعه آماری این پژوهش، شامل تمامی صفحات کتاب *تحریر/العقلاء* می‌باشد. نمونه‌گیری هدفمند تا اشیاع نظری ادامه یافت؛ یعنی آن‌قدر تحلیل قسمت‌های مختلف متن و استخراج کدها را ادامه دادیم تا دیگر مفهوم جدیدی نبود و نکات استخراجی تکراری شدند.

در این پژوهش، تجزیه و تحلیل داده‌ها با تأکید بر تکنیک تحلیل محتوای مضمونی، از روش کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و انتخابی انجام شده است. تأکید اولیه ما در این فرآیند بر واژگان و مبتنی بر دیدگاه کمی صورت گرفت و تأکید ثانویه بر قالب بیانی هر مضمون بود. تأکید بر کلید واژگان، نقاط تمرکز، جهت‌گیری‌ها، مضامین، مفاهیم، مقوله‌ها، قالب‌های بیانی و یادداشت‌های نظری به عنوان بخش‌های مهمی از فرآیند تحلیل محتوا صورت پذیرفت (عترت دوست، ۱۳۹۸). فرآیند کدگذاری سه مرحله‌ای به این صورت بود که ابتدا از متن اصلی به کدهای اولیه (مضامین) و سپس به کدهای ثانویه (مفاهیم) رسیدیم و در پایان، عناوین سازمان‌دهنده (مقوله‌ها) را انتخاب کردیم. به منظور سنجش پایایی و روایی پژوهش از روش پرسش از خبرگان و مقایسه با ادبیات موضوع استفاده شد که با بیش از ۹۰ درصد توافق به تأیید رسید. نتیجه این تجزیه و تحلیل، استخراج ۶۴ کد اولیه، ۹ مفهوم ثانویه و ۳ مقوله سازمان‌دهنده بود. در ادامه نمونه جداول کدگذاری در مراحل مختلف آورده می‌شود:

جدول ۲: نمونه‌ای از کدگذاری اولیه

متن اولیه	موضوع	کدگذاری اولیه (باز)
می‌گویند: عقل حاکم به کفایت ظن است. اولاً انسداد باب علم را، از تنبلی و مسامحه دعا می‌کنی، زحمت نکشیده، و تفحص و تفتیش از ادله و براهین و سیر در ملل و مذاهب ننموده. ادعا انسداد باب علم، غلط است. و ثانیاً با انسداد باب علم، عقل، ترجیح ظن بر وهم را شاید بداند. اما حجیت ظن را که باید متدین به آن شد، نمی‌فهمد. (متن کتاب، صفحه ۴۱)	در باب خداشناسی، جایگاه عقل در یقین	باور به محوریت عقل در خداشناسی و برتری آن نسبت به ظن و گمان.
شخص عاقل ملتفت می‌شود که شخص بزرگ که از جانب خدا مبعوث و مأمور است، اراده و اختیار خودش که اراده و اختیار الهی است، کافی است در جعل هر امری. لکن ایشان از بی‌عقلی دلیل خواستند، نکته‌ای به جهت اسکات ایشان بیان نمود. و الا ایشان نه معنی خلق آسمان و زمین و شش روز را فهمیدند و نه فهمیدند که روز و شب، قبل از خلقت آفتاب و ماه کجا بود. مراد از صبح و شام زمان خلقت چه چیز است. هنوز هم نه ایشان، فهمیدند و نه غیر ایشان و نفهمیدند که چرا در روزی که خداوند عالم از خلق آسمان و زمین فارغ بود، آن‌ها نباید در معاش خود سعی نمایند و تعقل نکردند که، جز اسمی از آن باقی نمانده است. (متن کتاب، صفحه ۴۶)	در باب خداشناسی، عقلانیت در شریعت	در شناخت متون دینی در ادیان مختلف، این عقل است که تعیین‌کننده است و گرنه خرافه‌پرستی می‌شود.
ازجمله طرق اعجاز نوشته شده است اشتمالش بر احکام شرعیه که به غیر عقل کل کسی درک آن‌ها را نمی‌نماید. و دیگران بعد از تأمل و تفکرهای زیاد دانسته‌اند که همه موافق عقل است. عجب است در آیات قرآنی از احکام شرعیه نیست؛ مگر قلیلی آن هم بر نحو اجمال و یا الفاظ متشابهه. چگونه می‌شود این احکام را دلیل بر نبوت قرار داد. و حال آنکه احکام تابع فرمایش نبی است. حتی بنا بر قول معتزله که عقل را در درک احکام سابق بر شرع می‌دانند. عقل هرکس را در همه احکام نمی‌گویند. گذشته از آنکه جمله‌ای از احکام مذکوره در قرآن مطابق با مسطور در تورات است. بسی واضح است که بیان احکام دلیل بر نبوت نمی‌شود. چه بسیار از عقلا و حکما درک جمله از احکام را نموده و می‌نمایند. (متن کتاب، صفحه ۷۳)	در باب خداشناسی، عقل و وحی	تمامی احکام دین و شرع مقدس از عقل پیروی می‌کنند. البته عقلانیت پیامبران به واسطه ارتباط با وحی در مراتب بالاتری نسبت به سایرین قرار دارد.

متن اولیه	موضوع	گذگذاری اولیه (باز)
عدل و احسان و مردم‌داری و رعایت حال ضعفا و زیردستان و رفع فساد از خلق امری است محبوب و مرضی خدا. به حکم عقل و نقل و آثار حسنه بر او مترتب می‌شود چه از مسلم باشد، چه از کافر از متدین یا بی‌دین و این شیوه مرضیه، از همه کس مطلوب و مرغوب است. به خصوص از سلاطین و ولایه و حکام که زمام رعیت به دست ایشان و حفظ زیردستان، در کف کفایت ایشان ملاذ نفسانیه خود، راضی به صدمه و ضرر رعیت شود یا غافل از رعیت باشد، که از و حکومت خود ترسیدن او مظلوم شوند، بلکه به حکم عقل و نقل باید سلطان اطلاع از حال رعیت خود است. حاکم و سلطان نباید در سلطنت و حکومت. (متن کتاب، صفحه ۱۲۵)	در باب خداشناسی وظیفه سلطان در حکومت	عقل حکم بر عدالت می‌کند لازمه عقلانیت مردم‌داری حاکمان و باخبر بودنشان از حال رعیت است.
در صدر اسلام کفایت و دیانت والی را تا ملاحظه نمی‌نمودند، زمام رعایا و فقرا و ضعفا را به دست والی نمی‌دادند. چون این کار به جهت آسودگی خلق قرار داده شده است. البته عقل حکم می‌نماید که همین ملاحظه شود. و الا به داد رعیت رسیدگی نشده ظلم بر فقرا و ضعفا و رعایا است که اگر کسی را والی نمایی که در فکر خود باشد و از حال خلق غافل. سابقاً ذکر شد که سلطنت بر خلق از جانب حق به حضرت خاتم داده شده. آن حضرت هم پیغمبر بود، هم سلطان. آن حضرت آداب سلطنت و سیاست و ریاست بر خلق و قوانین آن را مقرر فرمود. بهتر از قوانین سلاطین سابقه. تا به قوانین مقرر آن بزرگوار رفتار می‌نمایند، رعایا و زیردستان و فقرا و ضعفا از اهل اسلام و کفار آسوده و مرفه‌الحال می‌باشند. (متن کتاب، صفحه ۱۲۵)	در باب خداشناسی وظیفه سلطان در حکومت	مطابق با اسلام، حاکم باید بر اساس عقل عمل کند و عقل نیز حکم می‌کند که حاکمان طوری رفتار عمل کنند که منجر به رفاه عموم جامعه شود.
پس سلطنتی که در آن عدالت و سیاست حقه بوده باشد، و به امر الهی و حکم عقل رفتار در آن باشد از سلطنت الهیه است. پادشاهان مظهر شاهی حق. عارفان مرآت آگاهی حق نبی، که مظهر حق است، در علم و سلطنت اشرف است از آنکه سلطنت ندارد. همچنین در رعایا اجر قاضی که فصل خصومت می‌نماید بیش از اجر عالمی است که متصدی قضا نیست. چنان که اجر عالمی که نشر علم به تدریس و افتا می‌نماید، بیش از اجر عالمی است که تحصیل علم به جهت کمال خود می‌نماید؛ لکن شرط حسن همه با عدم هوا و حب ریاست است.	در باب خداشناسی وظیفه سلطان در حکومت	حکومتی که در آن مبتنی بر عقل رفتار شود، حکومت الهی است. میزان در برتر بودن علما و عرفا میزان تلاششان جهت ترویج عقل‌گرایی است.

جدول ۳: گدهای باز، محوری، انتخابی

مضمون سازمان دهنده (کدگذاری انتخابی)	مضمون اصلی (کدگذاری محوری)	گدهای اولیه (کدگذاری باز)
عقل به مثابه منبع مستقل معرفت	عقل، مبنای فهم شریعت و اخلاق	اولین پیش نیاز در حفظ ایمان و دوری از شرک و خدانشناسی، عقل و عقلانیت است/ ایمان به وحدانیت خدای یگانه، محصول عقل و عقلانیت است./ معرفت و شناخت خدا از طریق تعقل صورت می گیرد./ اگر تعقل کنی و خدا را بشناسی، می فهمی که در جهان چیزی به غیر از خدا مؤثر نیست./ معرفت و محبت خدا و توحید، حاصل عقلانیت و خردورزی است.
		حقیقت انبیا فوق عقل بشری است، لذا عقل حکم می کند که از آن ها پیروی کنیم. اما شرط لازم برای تأیید وحیانی بودن کلام پیامبران، مطابقت آن با عقل و نقل است. خداوند، عقل را به عنوان نخستین پیامبر در وجود انسان قرار داده و عقل به عنوان رسول باطنی، نسبت به همه چیز رجحان دارد، زیرا به واسطه این عقل است که پیامبر بیرونی از مدعیان دروغین تمایز داده شود.
	تأکید بر توانایی عقل برای تشخیص حقایق دینی و اجتماعی	عقل انبیا چون برتر از عقل خلائق است، دچار تضاد و تعارض نمی شود. لذا حکم خدا همواره یکی است عقل حکم می کند که از امور جزئی و مشتبهات و موهومات دوری کرده و کل را مورد توجه قرار دهی.
		عقل و خردورزی، مهم ترین عامل جهت دریافت صحیح معنای آیات قرآن است. / عقل، سبب بصیرت و شناخت صحیح می شود./ برای شناخت وحی و حقیقت کلام پیامبران، تعقل و خردورزی بهترین راه است. / بهترین راه برای شناخت و تبعیت از حق و شناخت آن از باطل، تکیه بر تعقل و عقلانیت است./ هدف از فرستادن قرآن، افزایش تعقل و عقلانیت در انسان هاست./ هدف اسلام و پیامبر اسلام، سعادت مردم در دنیا و آخرت است که این امر در سایه عقل سلیم محقق می شود./ میزان در برتر بودن علما، عرفا میزان تلاششان جهت ترویج عقل گرایی است./ پیامبران جهت ارتقاء عقل بشری و هدایت آن ها در امور عقلیه مبعوث شده اند.

مضمون سازمان‌دهنده (کدگذاری انتخابی)	مضمون اصلی (کدگذاری محوری)	کدهای اولیه (کدگذاری باز)
عقل به‌مثابه ابزار نقد قدرت (سیاسی / دینی)	مخالفت با استبداد دینی و سیاسی	معیار اصلی در شناخت حق از باطل، تطابق کلام با عقل است نه اینکه متکلم چه کسی است (حتی اگر از علمای مذهب و ملت باشد). / در فهم قرآن و دین، باید همواره بر همسویی آن با عقلانیت و فطرت توجه شود و تقلید از علما در صورتی مجاز است که حکمشان منطبق با عقل باشد / حتی در معجزه تطابق آن را با عقل بررسی کنید تا مانند قوم موسی دچار گوساله‌پرستی نشوید!
	عقلانیت، سپری در برابر سوءاستفاده از دین	آنچه دین اسلام را از تحریف پیروان در امان می‌دارد تأکید آن بر تعقل و عقلانیت است. عقلانیت سبب دوری از افراط و تفریط شده، انسان را به مقامات عالی معنوی می‌رساند. / کنار گذاشتن عقل سلیم، مساوی است با گم‌شدن در هوی و هوس و تخلق به اخلاق رذیله / عقل، دنیا را فانی و آخرت را باقی می‌داند و پیروی از آن سبب دین‌داری و اخلاق‌مداری میشود.
	بازخوانی مفاهیم مشروعیت با رویکرد عقل‌گرا	عقل حکم بر عدالت می‌کند / لازمه عقلانیت مردم‌داری حاکمان و باخبر بودنشان از حال رعیت است. / مطابق با اسلام، حاکم باید بر اساس عقل عمل کند و عقل نیز حکم می‌کند که حاکمان طوری رفتار عمل کنند که منجر به رفاه عموم جامعه شود. / حکومتی که در آن مبتنی بر عقل رفتار شود، حکومت الهی است.
عقل به‌مثابه نیروی اصلاح اجتماع	عقلانیت به عنوان موتور آزادی، عدالت و اصلاح	اصل در گفتمان با سایر عقاید است که سخنانشان را ابتدا با عقل مورد سنجش قرار دهی. / به جای تلاش برای ابطال نظر سایرین، سعی کنید در کلامشان تعقل کنید تا بدون پیش‌داوری بتوانید حق را از باطل تشخیص دهید. / روش تعقل مبتنی بر منطق، بهترین راه برای رسیدن به حقیقت است. / برای شناخت حقیقت، مجاهد باید دقت کند که دلایل و شیوه تفکرش مبتنی بر عقل باشد.
	تکیه بر خودآگاهی جمعی مبتنی بر عقل برای نوسازی جامعه	ابتدا در کلام افراد تعقل کنید و سپس به خود او بپردازید. / وقتی کلامی را می‌شنوی ابتدا در آن تعقل و تدبر کن، اگر آن را موافق عقلانیت یافتی بپذیر. / عقل حکم می‌کند اگر در کلام کسی هدایت را یافتی از او تبعیت نمایی.

مضمون سازمان دهنده (کدگذاری انتخابی)	مضمون اصلی (کدگذاری محوری)	کدهای اولیه (کدگذاری باز)
	مقابله با خرافه، جهل و تحجر	در ادیان مختلف، این عقل است که تعیین کننده است و گرنه خرافه پرستی می شود. / اگر مردم در شناخت حقیقت دین، عقلانیت را محور قرار دهند، دچار خرافات نمی شوند. / مهم ترین دلیل شرک و خرافه پرستی بی عقلی و عدم کاربست عقلانیت در درک دین است. / تنها پیروی از عقل است که اوهام و موهومات نفس را کنار می زند.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش به استخراج ۹ مفهوم ثانویه در ۳ مقوله سازمان دهنده منتج شد. بر این اساس ما موفق شدیم به پرسش اصلی پژوهش پاسخ دهیم. پاسخ کوتاه به این پرسش آن است که عقلانیت انتقادی نقش بسیار کلیدی و محوری در اندیشه شیخ هادی نجم آبادی داشته و در تمام امور دینی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حرف اول را می زند. همچنین دیدگاه انتقادی شیخ هادی هرچند متفاوت از دیدگاه‌های غربی است، وجوه تشابهی با آن‌ها دارد. شیخ هادی نجم آبادی، پیرامون عقلانیت، دیدگاه انتقادی مستقلی دارد که مبتنی بر اسلام است. بر اساس یافته‌های پژوهش که حاصل از مراحل مختلف کدگذاری صورت گرفته، مهم ترین ابعاد و مؤلفه‌های عقلانیت از دیدگاه شیخ هادی به شرح ذیل می باشد:

۱. عقل به مثابه منبع مستقل معرفت. این بُعد، شامل سه مؤلفه ذیل می گردد:

✓ جایگاه عقل فراتر از نقل و سنت؛

✓ تأکید بر توانایی عقل برای تشخیص حقایق دینی و اجتماعی؛

✓ مبنای فهم شریعت و اخلاق.

۲. نقد قدرت (سیاسی / دینی) با تکیه بر عقل. این بُعد نیز مؤلفه‌های ذیل را دربردارد:

✓ مخالفت با استبداد دینی و سیاسی؛

✓ بازخوانی مفهوم مشروعیت با رویکرد عقل گرا؛

✓ عقلانیت به عنوان سپری در برابر سوءاستفاده از دین.

۳. عقلانیت انتقادی به مثابه نیروی اصلاح اجتماع. این بُعد در مؤلفه‌های ذیل مصداق می یابد:

✓ عقلانیت به عنوان موتور عدالت، آزادی و اصلاح؛

✓ تکیه بر خودآگاهی جمعی مبتنی بر عقل برای نوسازی جامعه؛

✓ مقابله با خرافه، جهل و تحجر.

بر اساس یافته‌های پژوهش، این الگو سه بُعد اصلی دارد که در تعامل با هم، ساختار عقلانیت انتقادی مورد نظر نجم‌آبادی را شکل می‌دهند:



شکل ۱: الگوی عقلانیت انتقادی از دیدگاه شیخ هادی نجم‌آبادی

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی عقلانیت در پارادایم انتقادی بر اساس دیدگاه شیخ هادی نجم‌آبادی با روش تحلیل محتوای کتاب *تحریر/العقلاء*، به عنوان تنها منبع برجای مانده از وی، به نتایج مهمی نائل آمد. نخست، عقلانیت در اندیشه نجم‌آبادی نه صرفاً ابزاری در خدمت دین، بلکه عنصری مستقل، نقاد و مولد معنا تلقی می‌شود؛ به گونه‌ای که وی عقل را قادر بر سنجش و بازسازی مفاهیم دینی، اجتماعی و سیاسی می‌داند. این تلقی، نجم‌آبادی را در زمره متفکرانی قرار می‌دهد که با تکیه بر ظرفیت‌های عقلانیت انتقادی، امکان اصلاح ساختارهای سلطه‌گرایانه و سنت‌های ایستای فقهی را مطرح کرده‌اند.

هرچند عقلانیت انتقادی در دیدگاه شیخ هادی، وجوه تشابه زیادی با سایر دیدگاه‌های پارادایم انتقادی دارد، با توجه به متن کتاب *تحریر/العقلاء* که ارجاعات زیادی به قرآن و سنت اسلامی دارد، می‌توان آن را دیدگاهی مستقل و روشنگرانه مبتنی بر مکتب اسلام در نظر گرفت. دیدگاه شیخ هادی از آنجا که برای عقل، ارزش ذاتی قائل است و آن را در اولویت می‌داند، مشابه فلاسفه یونان باستان است. اما از آنجا معتقد به بازنگری در عقلانیت به منظور بازسازی ساختارهای اجتماعی و سیاسی است، به دیدگاه انتقادی برخی فلاسفه غرب شبیه است. از آنجا که شیخ هادی مبانی عقلانیت را از قرآن و روایات استخراج کرده است، اندیشه او شباهت زیادی با فلاسفه مسلمان دارد. وجه افتراق دیدگاه نجم‌آبادی با سایر دیدگاه‌ها از این جهت است که علاوه بر توجه به مفاهیم ناب اسلامی، به مقتضیات زمانه و لزوم کاربست عقلانیت در اصلاح ساختارهای جوامع و حکومت‌ها نیز توجه کرده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش، روش کدگذاری سه‌مرحله‌ای بود. یعنی در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها با تأکید بر تکنیک تحلیل محتوای مضمون، از روش کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و انتخابی استفاده شد. تأکید اولیه در این فرآیند بر واژگان و مبتنی بر دیدگاه کمی صورت گرفت و تأکید ثانویه بر قالب بیانی هر مضمون بود. فرآیند کدگذاری سه‌مرحله‌ای به این صورت بود که ابتدا از متن اصلی به کدهای اولیه (مضامین) و سپس به کدهای ثانویه (مفاهیم) رسیدیم و در پایان، عناوین سازمان‌دهنده (مقوله‌ها) را انتخاب کردیم. به منظور سنجش پایایی و روایی پژوهش از روش پرسش از خبرگان و مقایسه با ادبیات موضوع استفاده کردیم که با بیش از ۹۰ درصد توافق به تأیید رسید. نتیجه این تجزیه و تحلیل، استخراج ۶۴ کد اولیه، ۹ مفهوم ثانویه و ۳ مقوله سازمان‌دهنده بود.

بر این اساس اولین بُعد، عقل به مثابه منبع مستقل معرفت است که این بُعد، شامل سه مؤلفه: جایگاه عقل فراتر از نقل و سنت، تأکید بر توانایی عقل برای تشخیص حقایق دینی و اجتماعی و مبنای فهم شریعت و اخلاق می‌گردد. همچنین بعد دوم، نقد قدرت (سیاسی/دینی) با تکیه بر عقل است. این بُعد نیز مؤلفه‌های ذیل را دربردارد: مخالفت با استبداد دینی و سیاسی، بازخوانی مفهوم مشروعیت با رویکرد عقل‌گرا،

عقلانیت به عنوان سپری در برابر سوءاستفاده از دین. و آخرین بعد، عقلانیت انتقادی به مثابه نیروی اصلاح اجتماع است که در مؤلفه‌های ذیل مصداق می‌یابد: عقلانیت به عنوان موتور عدالت، آزادی و اصلاح، تکیه بر خودآگاهی جمعی مبتنی بر عقل برای نوسازی جامعه، مقابله با خرافه، جهل و تحجر.

در مقایسه با نظریه‌پردازان برجسته پارادایم انتقادی همچون یورگن هابرماس، شیخ هادی نیز عقلانیت را پدیده‌ای ارتباطی و اجتماعی می‌بیند که بایستی در بستر تعامل و نقد ساختار قدرت فعال شود (Habermas, 1984). با این حال، وجه تمایز مهم نجم‌آبادی، پیوند عمیق او با سنت اسلامی است؛ عقلانیت او نه غرب‌گرایانه است و نه سنت‌گرای صرف، بلکه تلاش دارد از دل متون دینی و عقل عملی، خوانشی بومی از عقلانیت انتقادی ارائه دهد. این نگاه در تقابل با نظریه‌پردازانی چون «آدورنو» و «هورکهایمر» قرار می‌گیرد که عقل مدرن را در معرض تباهی و ابزارشدگی می‌دانند (Horkheimer & Andoro, 2002)، چراکه نجم‌آبادی با رویکردی اصلاح‌گرایانه، عقل را عامل رهایی و تحول می‌داند.

در مقایسه با سایر متفکران مسلمان، عقلانیت در اندیشه شیخ هادی نجم‌آبادی واجد خصیصه‌ای متمایز و کنش‌گر است که از سنت فلسفی اسلامی فاصله می‌گیرد و به عقلانیت انتقادی نزدیک می‌شود. ابن‌سینا، با تأکید بر عقل نظری و تمایز آن از عقل عملی، عقل را عمدتاً در چهارچوب فلسفه‌مثنائی و بر پایه برهان‌های قیاسی تعریف می‌کند، در حالی که نجم‌آبادی عقل را در بستر عمل اجتماعی و تغییر ساختارهای سلطه‌گر مورد توجه قرار می‌دهد (ابن‌سینا، ۱۳۷۵). ملاصدرا نیز هرچند عقل را با مراتب وجودی و شهود عرفانی درمی‌آمیزد، عقل در نظام حکمت متعالیه بیشتر ابزاری برای درک حقیقت و نه تغییر اجتماعی است (ملاصدرا، ۱۳۸۲). درمقابل، شهید مطهری با گرایش به عقلانیت دینی و فلسفی، عقل را عنصر توازن‌بخش میان دین و علم می‌داند، اما مانند نجم‌آبادی بر نقد نهادهای قدرت مذهبی تأکید نمی‌گذارد (مطهری، ۱۳۸۵). شهید صدر نیز با ارائه نظریه «منطقه الفراغ»، عقل را مکمل شریعت در حوزه‌های فاقد نص می‌داند، اما همچنان در چهارچوب فقه سنتی باقی می‌ماند (صدر، ۱۴۰۸ ق). در حالی که نجم‌آبادی عقل را نه در خدمت شریعت، بلکه در جایگاه سنجش‌گر شریعت و سنت قرار می‌دهد و این رویکرد، او را در پیوند با عقلانیت انتقادی مدرن و تلاش برای اصلاح ساختارهای فکری، سیاسی و اجتماعی قرار می‌دهد.

نجم‌آبادی در *تحریر/العقلاء* بارها تأکید کرده است که عقل، پایه و اساس فهم دینی است. او معتقد است که اگر عقل به درستی به کار گرفته شود، می‌تواند از انحراف در تفسیر دین جلوگیری کند: «عقل چون سلطان است بر همه قوای بشری و اگر مهجور و معزول ماند، انحراف از شرع و اخلاق، اجتناب‌ناپذیر است» (نجم‌آبادی، بی‌تا: ۴۷). از این منظر دیدگاه او با برخی فلاسفه اسلامی تشابه دارد. نجم‌آبادی عقل را ابزار تشخیص حق از باطل می‌داند و آن را در برابر سلطه استبدادی، چه در لباس دین و چه سیاست، قرار می‌دهد. او باصراحت از حاکمانی که دین را ابزار سرکوب عقل و آزادی قرار می‌دهند، انتقاد کرده است:

«کسانی که خود را خلیفه خدا می‌دانند و عقل‌بندگان را در بند فرمان خود می‌طلبند، نه خلیفه‌اند و نه خداشناس» (همان، ۶۹). در بخش‌هایی از کتاب، نجم‌آبادی به نقد تقلید غیرعقلانی پرداخته و آن را ریشه بسیاری از عقب‌ماندگی‌های فکری و اجتماعی مسلمانان دانسته است. او می‌نویسد: «تقلید، اگر نه بر مبنای عقل و تشخیص باشد، نه عبادت است و نه اطاعت، بلکه نوعی تعطیل فکر و تهی‌ساختن انسان از کرامت انسانی است» (همان، ۵۳). او عقل را نه تنها ابزار فهم دین، بلکه عامل تحول اجتماعی می‌داند. از منظر او، حرکت به سوی جامعه‌ای پیشرو و عادلانه، تنها از رهگذر عقلانیت ممکن است: «ملتی که عقل خویش را به کار بندد، نه محتاج استبداد است و نه اسیر استعمار» (همان، ۸۱).

تحقیق حاضر، با تمرکز بر متن *تحریرالعقلاء* و تحلیل مفهومی دقیق، نوعی عقلانیت تلفیقی، انتقادی و اصلاح‌طلبانه را در اندیشه نجم‌آبادی نشان می‌دهد. این نتایج در بسیاری از جهات با تحقیقات پیشین هم‌خوانی دارند، اما از نظر سطح تحلیل (عمیق‌تر)، روش‌شناسی (تحلیل محتوای کیفی)، و توجه به زمینه تاریخی - اجتماعی از آن‌ها فراتر رفته و مدلی نو برای درک عقلانیت در ایران عصر قاجار ارائه می‌دهد. اکثر پژوهش‌ها مانند ملکیان (۱۳۸۹) بین عقلانیت مدرن و دینی شکاف معرفتی قائل می‌شوند، در حالی که تحقیق حاضر نشان می‌دهد این شکاف در اندیشه نجم‌آبادی قابل‌پل‌زدن است. همچنین در قیاس با تحلیل‌های صورت‌گرفته درباره افکار سید جمال‌الدین اسدآبادی (مانند تحقیق رسول جعفریان)، مشخص می‌شود که نجم‌آبادی برخلاف سید جمال، کمتر به سیاست عملی و بیشتر به نوسازی فکری - فرهنگی از مسیر عقلانیت پایبند است. برخلاف دیدگاه نبوی رضوی مبنی بر بابی بودن شیخ هادی، این پژوهش نشان می‌دهد که عقلانیت در دیدگاه شیخ هادی کاملاً مبتنی بر مبانی وحیانی اسلام است و شیخ هادی در یک فصل مجزا در کتاب *تحریرالعقلاء* خود به دعاوی بایبان پاسخ داده و آن‌ها را به بازگشت به حقیقت دین و رهایی از افکار پوچ هشدار داده است.

نتایج نشان می‌دهد که عقلانیت در اندیشه نجم‌آبادی تحت تأثیر شکل نهادهای اجتماعی و سیاسی در عصر قاجار و تعامل او با مدرنیته غربی است؛ و این عقلانیت بیشتر انتقادی - تحول‌خواه است تا تقلیدی یا بنیادگرا. ورهام (۱۳۸۵) نیز در پژوهش خود نشان می‌دهد که نهادهای سیاسی استبدادی، سبب تقویت نوعی عقلانیت منفعل و سازگار شده‌اند، اما نجم‌آبادی برخلاف جریان غالب، بر عقلانیت تحول‌خواه و اصلاح‌طلبانه تأکید دارد. در مطالعه سروش دباغ (۱۳۹۵) بر عقلانیت در اندیشه نواندیشان دینی، تأکید شده که اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه همیشه در بستر نهادهای بسته، خصلت انتقادی پیدا می‌کنند؛ که این دقیقاً با نتیجه ما درباره عقلانیت نجم‌آبادی مطابقت دارد.

در این مقاله با تحلیل محتوای *تحریرالعقلاء* به‌روشنی نشان دادیم که نجم‌آبادی در پی تلفیق عقلانیت مدرن با آموزه‌های اسلامی است، بدون اینکه به تقابل سفت‌وسخت بین عقل و دین دامن بزند. مطالعه

فیرحی (۱۳۸۶) بر رابطه شریعت و عقلانیت در عصر مشروطه، به همین تلفیق اشاره دارد. برخلاف تحلیل کدیور (۱۳۸۱) که نواندیشان دینی را عمدتاً عقل‌گرا و کم‌توجه به سنت معرفی می‌کند، نجم‌آبادی در تحقیق حاضر چهره‌ای دارد که هم به شریعت پایبند است و هم از عقل مدرن بهره می‌برد. این تفاوت در نتیجه بسیار حائز اهمیت است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نجم‌آبادی عقلانیت را نه صرفاً برای تأملات فردی، بلکه برای اصلاح ساختارهای اجتماعی و سیاسی به کار می‌گیرد؛ یعنی عقلانیت او خصلت عملی دارد. البته این وجه از عقلانیت با مفهوم عقلانیت انتقادی در نظریه هابرماس شباهت دارد.

منابع

- آل غفور، سید محسن (۱۳۸۹). شیخ هادی نجم‌آبادی، فقیه روشنفکر و قرآن‌پژوه سیاسی. فصلنامه پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۱ (۱۷۶)، ۲۷۵-۲۷۶.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۴۲۷ هـ.ق). رساله نفس. ویرایش دکتر موسوی (۱۳۸۳). همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۸). رسائل. ترجمه ضیاءالدین درّی، محمود شهبابی و محمدمهدی فولادوند. قم: انتشارات آیت اشراق.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۷۰۰ هـ.ق). لسان العرب. بیروت: دارصادر.
- احتشام السلطنه، محمود (۱۳۶۷). خاطرات احتشام السلطنه. به کوشش محمدمهدی موسوی. تهران: انتشارات زوار.
- احمدی، سحر (۱۳۹۰). بررسی عقلانیت سیاسی شیخ هادی نجم‌آبادی و تأثیر آن بر اقدامات اصلاح‌گرایانه نوین و تأثیر مدارس، احداث راه‌آهن، مشروطه‌طلبی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۱۳۵۶). تاریخ منتظم ناصری. ج ۱. تصحیح محمداسماعیل رضوانی. تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- افلاطون (۱۳۸۰). دوره آثار افلاطون، ترجمه محمدحسن لطفی. تهران: انتشارات خوارزمی.
- الوانی، سید مهدی (۱۴۰۲). مدیریت عمومی. تهران: نشر نی.
- برت، ادوین آرتور (۱۳۶۹). مبادی ما بعد طبیعی علوم نوین، ترجمه عبدالکریم سروش. تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲). آموزش دانش سیاسی. تهران: نشر نگاه معاصر.
- بیدگی، محمد و رجبی دهرزویی، اصغر (۱۴۰۲). واکاوی تحلیلی اندیشه‌های آیت‌الله لاری و شیخ هادی نجم‌آبادی در انقلاب مشروطه. فصلنامه تاریخ، ۱۸ (۷۰)، ۱۰-۲۳.
- بیدگی، محمد (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی رویکرد شیخ هادی نجم‌آبادی و آیت‌الله سید عبدالحسین لاری نسبت به نهادها و ساختارهای مدرن. رساله دکتری، رشته علوم سیاسی، ایران: تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- جعفری، محمدتقی (۲۰۰۰). شیخ هادی نجم‌آبادی و اصلاحات دینی. تهران: انتشارات دانشگاهی.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۵). سید جمال‌الدین اسدآبادی و تحول فکری ایران. تهران: انتشارات نگاه.
- حسینی، سید یوسف (۱۳۷۶). جلوه‌ای از عرفان نجم‌آبادی. نشریه کیهان اندیشه، ۷۶، ص ۶۲-۷۲.
- حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۶۸). تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان دوره قاجاریه. تهران: انتشارات شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۰). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- دباغ، سروش (۱۳۹۵). عقلانیت و اندیشه دینی در ایران معاصر. مطالعات دینی معاصر، ۱۲ (۳)، ۴۵-۶۸.

- دوانی، علی (۱۳۷۷). *نهضت روحانیون ایران*، ج ۱. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- روحانی، مقداد (۱۳۷۶). *مشروطه‌چی عهد ناصری*. نشریه زمانه، ۲۳، ۳۲-۴۰.
- زیبا کلام، صادق و بیدگلی، محمد (۱۳۹۷). مدرنیسم بومی؛ کند و کاوی در اندیشه های شیخ هادی نجم آبادی. *سیاست* (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)، ۴۸ (۴)، ۹۶۱-۹۷۷.
- ژولین، فروند (۱۳۸۴). *سیاست چیست؟ ترجمه عبدالوهاب احمدی*. تهران: نشر آگه.
- سالیوان، راجر (۱۳۸۰). *اخلاق و فلسفه کانت*، ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: طرح نو.
- سبزواری، ملا هادی (۱۳۱۸). *اللیالی المنتظمه فی علم المنطق* (شرح منطق منظومه). چاپ سنگی.
- سلیمان‌پور، علی (۱۳۹۴). *حاج شیخ هادی نجم‌آبادی و طرح گفتمان دیانت عقلایی*. بجنورد: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد.
- سلیمان‌پور، علی (۱۳۹۳). *حاج شیخ هادی نجم‌آبادی و طرح نظریه دیانت عقلایی به عنوان رهیافت ایرانی اسلامی پیشرفت*. سومین کنفرانس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.
- سلیمان‌پور، علی (۱۳۹۰). *تفسیر عقلانی دیانت و سازگاری آن با اندیشه‌های نوگرایانه و دموکراتیک در گفتمان مشروطه‌خواهی نجم‌آبادی و نائینی*. رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، دانشکده علوم سیاسی.
- سولومون، رابرت و هیگینز، کاتلین (۱۳۸۸). *تاریخ فلسفه در جهان*، ترجمه منوچهر شادان. تهران: انتشارات بهجت.
- سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۸۰). *مجموعه آثار سهروردی*. ج ۱. تصحیح و مقدمه: نجفقلی حبیبی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سیدی، اکبر (۱۳۸۶). *زندگی و اندیشه‌های شیخ هادی نجم‌آبادی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ع).
- عزت‌دوست، محمد (۱۳۹۸). *روش‌شناسی فهم حدیث در فرآیند سه‌گانه تحلیل متن، تحلیل محتوا، و تحلیل گفتمان*. *دوفصلنامه علمی پژوهشی حدیث پژوهی*، ۱۱ (۲۱)، ۲۹۱-۳۲۰.
- عمید، علی‌اکبر (۱۳۷۹). *فرهنگ عمید*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فیرحی، داوود (۱۳۸۶). *فقه سیاسی و فقه مشروطه*. تهران: انتشارات نی.
- قرضاوی، یوسف (۱۳۹۴). *باید و نبایدهای دین و سیاست*، ترجمه عبدالعزیز سلیمی. تهران: نشر احسان.
- کدیور، محسن (۱۳۸۱). *نواندیشی دینی و عقلانیت در ایران*. *مجله اندیشه سیاسی*، ۵ (۱)، ۲۲-۳۹.
- لاریجانی، صادق (۱۳۷۰). *معرفت دینی*. تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- مجلسی، محمدباقر (۱۱۰۶ ه.ق). *مرآة العقول*. قم: نور وحی.
- مرسلوند، حسن (۱۳۸۷). *حاج شیخ هادی نجم‌آبادی و مشروطیت*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۶۰). *فرهنگ معین*. تهران: نشر زرین.
- ملاصدرا، محمد (۱۳۹۸). *شواهد الربوبیه*، تصحیح جواد مصلح. تهران: انتشارات سروش.

- ملاصدرا، محمد (۱۳۶۰). *اسرارالایات و انوارالبینات*، تحقیق محمد خواجهوی. تهران: انتشارات انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- ملاصدرا، محمد (۱۳۶۶). *شرح اصول کافی*. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۶). *مثنوی معنوی*، به تصحیح نیکلسون. تهران: انتشارات اساطیر.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۹). *حدیث آرزومندی: جستارهایی در عقلانیت و معنویت*. تهران: نگاه معاصر.
- میزان‌پور، سارنگ (۱۳۹۰). *زندگی، آراء و اندیشه‌های شیخ هادی نجم‌آبادی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته تاریخ ایران دوره اسلامی. دانشگاه اراک.
- میرشکاری، جواد (۱۴۰۰). *فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان*. دفتر چهارم. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- نبوی رضوی، سیدمقداد (۱۳۹۰). *نگاهی تحلیلی به تکاپوهای فکری شریعت سنگلجی*. *فصلنامه امامت‌پژوهی*، ۱(۴)، ۲۴۹-۲۷۱.
- نجم‌آبادی، شیخ هادی (۱۳۷۸). *تحریرالعقلاء*. به کوشش مرتضی نجم‌آبادی. تهران: چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ورهرام، غلامرضا (۱۳۸۵). *نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار*. تهران: معین.
- هالینگ، دیل جان (۱۳۸۷). *تاریخ فلسفه غرب*، ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: ققنوس.

- Afifah, U. (2023). Rationalism in philosophical studies. *Journal of Information Technology and Information Management*, 4(1), 730. <https://doi.org/10.52690/jitim.v4i1.730>.
- Al-Ghazali. (1953). *The deliverance from error* (R. McCarthy, Trans.). Beacon Press.
- Annas, J. (1981). *An introduction to Plato's Republic*. Clarendon Press.
- Berelson, B. (1971). *Content analysis in communication research*. Hafner.
- Fllesdal, D. (1986). Intentionality and rationality. In J. Margolis, M. Krausz, & R. M. Burian (Eds.). *Rationality, relativism, and the human sciences* (pp. 1-15). Dordrecht: Springer.
- Fanon, F. (1963). *Black skin, white masks*. Grove Press.
- Graneheim, U.H., & Lundman, B. (2004). Qualitative content analysis in nursing research: Concepts, procedures, and measures to achieve trustworthiness. *Nurse Education Today*, 24(2), 105-112. <https://doi.org/10.1016/j.nedt.2003.10.007>
- Habermas, J. (1984). *The theory of communicative action* (T. McCarthy, Trans.). Beacon Press.
- Hegel, G.W.F. (1807). *Phenomenology of spirit* (A.V. Miller, Trans.). Oxford University Press.
- Horkheimer, M. & Adorno, T.W. (2002). *Dialectic of enlightenment*. Stanford University Press.

- Georgiev, M. & Delchev, M. (2023). Application of the method content-analysis of educational content in the preparation of students of pedagogical specialties in the conditions of distance learning. *Pedagogika*, 24(3). <https://doi.org/10.53656/ped2023-3s.11>
- Motahari, M. (2001). *Human freedom*. Sadra Publishing.
- Nasr, S. H. (2006). *Islamic science: An illustrated study*. World Wisdom.
- Nijmabadi, H. (2003). *Critical rationality in Islamic thought*. Tehran University Press.
- Noble, D. (2004). *The social and political thought of the German idealists*. Cambridge University Press.
- Nurkaidah, H. & Bahar, W. (2024). Filsafat rasionalisme sebagai dasar ilmu pengetahuan. *Religion, Education, and Social Laa Roiba Journal (RESLAJ)*, 6(5), 1209. <https://doi.org/10.47467/reslaj.v6i5.1209>
- Online Etymology Dictionary. (2020). *Politics* |Origin and meaning of politics by Online Etymology Dictionary. Retrieved September 30, 2020, from <https://www.etymonline.com>
- Stenmark, M. (1995). *Rationality in science, religion, and everyday life*. University of Notre Dame Press.
- Said, E. (1978). *Orientalism*. Pantheon Books.
- Sadrā, M. (2003). *The transcendent philosophy*. Islamic Publishing House.
- Tabatabai, M.H. (2002). *Nihayat al-Hikmah*. Al-Maktabah al-Ilmiyyah.
- Williams, G.R.,III. (2022). Rationality: What it is, why it matters, and why it seems scarce by Steven Pinker. *Journal of Scientific Exploration*, 36(3), 587-593. <https://doi.org/10.31275/20222587>

Transliteration

- Ahmadi, S. (2011). *A study of Sheikh Hadi Najmabadi's political rationality and its impact on modern reformist measures and the impact of schools, railway construction, constitutionalism*. Master's thesis, Islamic Azad University, Tehran Central Branch.
- Ale Ghafour, S. M. (2009). Sheikh Hadi Najmabadi, an intellectual jurist and political Quran scholar. *Research Quarterly of Islamic Revolution Studies*, 11(176), 275-276.
- Alvani, S. M. (1979). *Public Administration*. Tehran: Ney Publications.
- ‘Amīd, ‘A. A. (1990). *Farhang-e ‘Amīd*. Tehran: Amir Kabir Publications.
- Bashiriyeh, H. (1983). *Education of Political Science*. Tehran: Negāh-e-Mo‘āṣer Publications.
- Bidgoli, M. (2017). *A Comparative Study of the Approaches of Sheikh Hadi Najmabadi and Ayatollah Seyyed Abdolhossein Lari to Modern Institutions and Structures*. PhD Thesis, Political Science, Iran: Tehran: Islamic Azad University, Central Tehran Branch.
- Bidgoli, M. & Rajabi Deh-Barzoei, A. (1979). Analytical Analysis of the Thoughts of Ayatollah Lari and Sheikh Hadi Najmabadi in the Constitutional Revolution. *Quarterly Journal of History*, 18(70), 10-23.
- Burt, E. A. (1980). *The Post-Natural Principles of Modern Sciences*. Translated by Abdolkarim Soroush. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Dabbagh, S. (2006). Rationality and Religious Thought in Contemporary Iran. *Contemporary Religious Studies*, 12(3), 45-68.
- Davani, A. (1998). *Iranian Clergy Movement*. Vol. 1. Tehran: Islamic Revolution Documents Center.
- Dehkodā, ‘A. A. (1955). *Loḡat-Nāmeḥ*. Tehran: University of Tehran.
- Eḥtešām ul-Saltāneh, M. (1938). *kāṭerāt-e Eḥtešām ul-Saltāneh*, Edited by Mohammad Mahdi Mousavi. Tehran: Zavvār Press.
- E‘temād ul-Saltāneh, M. H. (1977). *Tārīk-e-Montazam-e Nāṣerī*, Edited by Mohammad Esmaeil Rezvani. Vol.1. Tehran: Donyāyeh Ketab Publications.
- Etrat Doost, M. (2019). The Methodology of Understanding the Hadith in the Triple Process of Textual Analysis, Content Analysis and Discourse Analysis. *Journal of Hadith Research*, 11(21), 291-320.
- Feirahi, D. (2007). *Political Jurisprudence and Constitutional Jurisprudence*. Tehran: Ney Publications.
- Freund, J. (2005). *Qu'est ce que la politique*, Translated by Abdolvahab Ahmadi. Tehran: Āgah Publishing.
- Halling, D. J. (2008). *Western Philosophy: An Introduction*, Translated by Abdolhossein Azarang. Tehran: Qoqnūs.
- Haqiqat, A. (2019). *History of Iranian Intellectual Movements during the Qajar Period*. Tehran: Iranian Authors and Translators Company Publications.

- Hosseini, S. Y. (2017). A Manifestation of Najmabadi's Mysticism. *Keīhān-e Andīšeh Publications*, 76, 62-72.
- Ībn Manẓūr, M. b. M. (1300). *Līsān ul-‘Arab*. Beirut: Dār ṣādīr.
- Ībn Sīnā, Ḥ. b. ‘A. (2004). *Rīsāleh Naḥs*, Edited by Dr. Mousavi . Hamedan: Bu-Ali University Press.
- Ībn Sīnā, Ḥ. b. ‘A. (2009). *Rasā’il*. Translated by Zia al-Din Darri, Mahmoud Shahabi & Mohammad Mahdi Foladvand. Qom: Āyat al-Īsrāq Press.
- Jafari, M. T. (2000). *Sheikh Hadi Najmabadi and Religious Reforms*. Tehran: University Press.
- Jafarian, R. (2016). *Seyyed Jamal-edin Asadabadi and the Intellectual Transformation of Iran*. Tehran: Negāh Publications.
- Kadivar, M. (2002). Religious Innovation and Rationality in Iran. *Journal of Political Thought*, 5(1), 22-39.
- Larijani, S. (1930). *Religious Knowledge*. Tehran: Center for Translation and Book Publishing.
- Maǧlesī, M. B. (1694). *Mīrāt ul-‘Oqol*. Qom: Noor-e Vahi.
- Malekian, M. (2010). *Hadīṭ-e Ārezūmandī: Essays on Rationality and Spirituality*. Tehran: Negāh-e-Mo‘āṣer.
- Mirshakari, J. (1400). *Dictionary of Words Approved by the Academy, Fourth Office*. Tehran: Publications of the Academy of Persian Language and Literature.
- Mizanpour, S. (2011). *The Life, Opinions and Thoughts of Sheikh Hadi Najmabadi*. Master's Thesis, History of Iran in the Islamic Period. Arak University.
- Mo‘īn, M. (1981). *Farhang-e Mo ‘īn*. Tehran: Našr-e Zarrīn.
- Molavī, ḡ. M. (1938). *Maṭnavī Ma‘navī*, Edited by Nicholson. Tehran: Asāṭīr Publications.
- Mollā ṣadrā, M. (1936). *Šarḥ-e Oṣūl-e Kāfi*. Tehran: Publications of the Institute for Cultural Studies and Research.
- Mollā ṣadrā, M. (1981). *Asrār ul-Āyāt wa Anwār ul-Bayenāt*, Research by Mohammad Khajavi. Tehran: Publications of the Islamic Society of Wisdom and Philosophy of Iran.
- Mollā ṣadrā, M. (1999). *Šawāhīd ul-Raboobīyyah*, Edited by Javad Mosleh. Tehran: Soroush Publications.
- Morselvand, H. (1938). *Haj Sheikh Hadi Najmabadi and Constitutionalism*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Nabavi Razavi, S. M. (2011). An Analysis of Shari’at Sangelaji’s Intellectual Activities. *Imamat Studies Quarterly*, 1(4), 249-271.
- Plato (1980). *Samtliche werke, Oeuvres complete*, Translated by Mohammad Hassan Lotfi. Tehran: kārasmī Publications.
- Qaradawi, Y. (2015). *The Dos and Don’t of Religion and Politics*, Translated by Abdul Aziz Salimi. Tehran: Ehsān Publications.
- Rouhani, M. (1997). The Constitutionalist of the Nasserī Era. *Zamaneh Magazine*, 23, 32-40.

- Sabzevārī, M. H. (1938). *Al-Layālī Al-Montazīma Fī 'Ilm Al-Manṭiq (Explanation of Systematic Logic)*. Lithograph.
- Seyyedi, A. (2007). *Life and Thoughts of Sheikh Hadi Najmabadi*. Master's thesis, Imam Khomeini International University.
- Najmabadi, Sh. H. (1999). *Tahrīr ul-'Oqalā*, Edited by Morteza Najmabadi. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Printing and Publishing.
- Sohrevardī, Š. (2000). *Collection of Sohrevardī Works*, Edited and introduced by Najafqoli Habibi. Vol. 1. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Soleymanpour, A. (2011). *Rational Interpretation of Religion and Its Compatibility with Modernist and Democratic Thoughts in the Constitutionalist Discourse of Najmabadi and Naini*. PhD Thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Political Science.
- Soleymanpour, A. (2014). Hajj Sheikh Hadi Najmabadi and the Theory of Rational Religion as an Iranian-Islamic Approach to Progress. *Third Conference on the Islamic-Iranian Model of Progress*.
- Soleymanpour, A. (2015). *Hajj Sheikh Hadi Najmabadi and the Discourse Plan of Rational Religion*. Bojnourd: Islamic Azad University Publications, Bojnourd Branch.
- Solomon, R. C. (2009). *A short history of philosophy*, Translated by Manouchehr Shadan. Tehran: Behjat Publications.
- Sullivan, R. J. (2008). *An introduction to kant's ethics*, Translated by Ezatollah Foladvand. Tehran: Tarḥ-e Nū.
- Varharam, Gh. (2006). *The Political System and Social Organizations of Iran in the Qajar Era*. Tehran: Moein.
- Ziba Kalam, S. & Bidgoli, M. (2018). Native modernism, a probe into sheikh hadi najmabadi's thoughts. *Politics - Journal of the Faculty of Law and Political Sciences*, 48(4), 961-977.